

متن پرسش

بسم الله. ای وای بر اسیری، کز یاد رفته باشد، در دام مانده باشد، صیاد رفته باشد، از آه دردناکی سازم خبر دلت را، روزی که کوه صبرم، بر باد رفته باشد، رحم است بر اسیری، کز گرد دام زلفت با صد امیدواری، ناشاد رفته باشد، شادم که از رقیبان دامن کشان گذشتی، گو مشت خاک ما هم، بر باد رفته باشد. سلام و عرض ادب: تشنه شدیم و تنها از سقای دلمان طلب جام داریم و جای دیگر قرار نمی‌گیریم، کجاست طاهرزاده‌ی پنجم که به شدت جانمان عطش وجودش را دارد؟ نهالی کاشته‌اید، با محبت و شوق آب داده‌اید و پرورانده‌اید، باغبانی نیستید که نهال خود را رها کند تا خودش به حال خودش شکوفه کند و ثمر دهد. برای ما که در دنیای سرد و تاریک نیست‌انگاری و توسعه نیافتگی نفس می‌کشیم، باغبانمان خودش می‌داند به نفس گرمش در جهانی که نامش را جهان میان دوجهان نهاده نفس می‌کشیم و هرچند درختی تنومند هم شده باشیم باز برای باغبانمان همان نهال کوچکیم که نگاه مهربان و گرمش ما را سرپا نگه می‌دارد. به او بگویید ما منتظرشان هستیم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! به انسان و باز به انسان باید اندیشید. چرا راهی را که در این تاریخ در مقابل ما گشوده شده است و ما از طریق آن راه، «ما» شده‌ایم، آن راه ادامه نیابد؟ آری! هر منزلی، منزل حضور در خود است، در بستر آشتی بیشتر با خدا، ولی این انسان است که خودش برای خودش موضوعیت دارد و رهرو صراطی است که همواره باید برود، بدون آن‌که حضور دیروزین خود را در صراطی که آغاز کرده، نفی کند. ولی اگر صراط امری است وجودی و ما همواره در صراط هستیم و با حضور در آن در شدت وجود خود بیشتر و بیشتر حاضر می‌شویم که این شرط صراط و شرط رفتن است، چرا به فردای خود نظر نداشته باشیم؟ و معنای بودن با طاهرزاده دیروز، در عین نظر به طاهرزاده امروز، بدین معنا است که چرا باید عزیزانی که با عرایض و گفتار بنده شروع کرده‌اند در گذشته متوقف شوند و ادامه نیابند؟ آن‌گاه که معنایی از انسان در بستر تاریخی انقلاب اسلامی در حال ظهور است که معنای وسیع‌تری از انسان است.

در مباحث معرفت نفس نظر انسان به هستی خود بود و این‌که «انسان فقط هست» و در ادامه آرام‌آرام با توجه به هستی در تاریخ و حضور انسان در تاریخ، در میدانی حاضر شدیم که میدان نگاه هستی‌شناسانه به انسان است که با مد نظر قراردادن «اصالت وجود» به نحوه‌ای از بودن انسان نظر می‌شود، به عنوان بودنی خاص که بودن در خود و در هستی و در بیکرانگی اکنون جاودانه‌اش

می‌باشد و سعی شده این امر در اشاراتی گوناگون به تفصیلی حضوری در آید، به همان معنای آشکارگی در عین پنهانی. در حال نوعی بودن در این راستا هستیم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** پس از تنظیم نهایی تقدیم می‌شود. موفق باشید